

رخداد

محاکمه متهمان

قتل‌های محفلی کرمان

■ ایسنا: وکیل مدافع برخی از اولیای دم پرونده قتل‌های محفلی کرمان از برگزاری آخرین جلسه رسیدگی به این پرونده خبر داد. غلامعلی ریاحی گفت: چند ماه قبل و پس از صدور حکم تبرئه تعدادی از متهمان پرونده‌قتل‌های محفلی کرمان، هیات عمومی اصراری کيفری دیوان عالی کشور تشکیل جلسه داد و ضمن نقض حکم قصاص یکی از متهمان که به تنهایی به قصاص محکوم شده بود، صدور حکم برائت تعدادی دیگر از متهمان را برخلاف قانون و موازین شرع تشخیص داد. او ادامه داد: علاوه بر این از رئیس قوه‌قضاییه درخواست شد که از اختیارات خود استفاده کند و مطابق ماده ۱۸ اصلاحی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مورد متهمانی که از نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور در ارتکاب جنایات نقش داشتند ولی تبرئه شده بودند، تقاضای اعاده دادرسی کند. وکیل مدافع برخی از اولیای دم پرونده قتل‌های محفلی کرمان افزود: بر این اساس و با دستور رئیس قوه‌قضاییه، شعبه ۱۰۶ دادگاه جزایی کرمان رسیدگی مجدد به اتهامات پنج نفر از متهمان را در ارتباط با قتل «محمدرضا نژادملایری» و «شهره نیک‌پور» در دستور کار قرار داد. ریاحی اظهار کرد: دیروز آخرین جلسه محاکمه در کرمان برگزار شد که به دلیل غیبرانی بودن، ذکر جزئیات محاکمه میسر نیست و فقط می‌توان به ذکر این نکته اکتفا کرد که متهمان در پایان جلسه رسیدگی به شدت از اعمال گذشته اظهار ندامت و پشیمانی کردند و برای جلب رضایت به دست و پای خانواده‌های نژادملایری و نیک‌پور افتادند. وی خاطرنشان کرد: دادگاه مطابق قانون طی یک هفته آینده حکم خود را صادر خواهد کرد. بنا بر این گزارش در قتل‌های محفلی کرمان که در سال ۸۲ جزئیات آن فاش شد، پنج مرد با انگیزای به ظاهر مذهبی و با این تصور که باید افراد فاسد را از بین ببرند، پنج زن و مرد را به قتل رساندند. محمدرضا ملایری‌نژاد و شهره نیک‌پور نیز زوج جوانی بودند که قاتلان با این تصور که آنها رابطه نامشروع دارند دست به قتل‌شان زدند و بعد معلوم شد آن دو زن و شوهر بودند. پس از به جریان‌افتادن این پرونده صدور احکام سبک برای متهمان سبب اعتراض اولیای دم شد به همین دلیل، متهمان بار دیگر پای میز محاکمه رفتند.

شرق: مهندس ایرانی- آمریکایی که پنج نفر را در تهران با شلیک گلوله به قتل رسانده است، در جلسه محاکمه‌اش نامهربانی‌های مادر و خواهرانش را انگیزه اصلی این قتل‌عام عنوان کرد. به گزارش خبرنگار ما، حمید -متهم ۶۰ساله- دو سال قبل در خانه مادری‌اش اعضای خانواده خود، یک وکیل و یک قاضی شورای حل اختلاف را به قتل رساند. او دیروز در دادگاه گفت: پدر و مادر ثروتمندش هیچ‌وقت دست محبت به سر او نکشیدند.

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده نماینده دادستان تهران در توضیح کیفرخواست‌گفت: حمید دوم آبان دو سال قبل با شلیک گلوله‌های متعدد فاطمه مادرش، سیامک شوهرخواهرش، صدف خواهرزاده‌اش، مجید وکیل‌مدافع مادر و خواهرانش و محمد منصوری قاضی شورای حل اختلاف را در آپارتمان مادرش در خیابان مقدس اردبیلی به قتل رساند. او به خاطر اختلاف بر سر میراث پدری‌اش دست به این قتل زده است، ضمن اینکه متهم به لحاظ روانی مورد بررسی قرار گرفته و دچار جنون تشخیص داده نشده است.

در ادامه وکیل‌مدافع دو خواهر و خواهرزاده متهم که ولی‌دم سه نفر از مقتولان یعنی فاطمه، سیامک و صدف است، در جایگاه حاضر شد. او گفت: یکی از موکلام اعلام رضایت کرده و از قانون خواسته مجازات در مورد برادرش اعمال شود، اما درخواست قصاص و دیه ندارد ولی موکلان دیگرم درخواست قصاص کرده‌اند. او گفت: حمید از دانشگاه شریف در رشته سازه فارغ‌التحصیل شد و بعد برای ادامه تحصیل به کانادا رفت. پدر و مادر حمید هر دو فرزندشان را بسیار دوست داشتند و شرایطی را فراهم کردند که او در کانادا تحصیل کند و کارشناس ارشد در رشته سازه شود. او سپس با حمایت پدرش به آمریکا رفت و اعتبارش در این کشور آنقدر بالا رفت که به عنوان مهندس در چند ایالت آمریکا حق امضا گرفت. همه این مسایل نشان می‌دهد حمید با حمایت خانواده‌اش زندگی موفق داشته و آنها از او حمایت می‌کردند. حتی وقتی او همسر اولش را طلاق داد، خانواده‌اش از خانواده‌ای اصل مادر او زنی تحصیلکرده و دانشگاه رفته بود و سال‌ها قبل که تحصیل برای زنان مساله رایجی نبود مادر حمید در دانشگاه‌های خارج از کشور تحصیل کرد و زن موافقی بود. پدر فاطمه پزشک و جد پدری او هم یک پزشک معروف بود که در ربار نادرشاه طبابت می‌کرد. اینها همه نشان

از اعتبار زنی دارد که حمید مدعی است مادر بدی بود و به او محبت‌نمی‌کرد.

سپس سایر اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه حمید قتل هر پنج نفر را قبول کرد و البته گفت نمی‌داند تعریف قتل عمد چیست. او گفت: من سال۵۴ از دانشگاه شریف فارغ‌التحصیل شدم و بعد هم برای ادامه تحصیل به کانادا رفتم. در آنجا بدون اینکه ریالی از پدرم

پول بگیرم، درس خواندم و کار کردم اما قبل از اینکه از ایران خارج شوم، موضوعی برای من پیش آمد که باعث شد زندگی‌ام دگرگون شود و برای مدتی پدرم به ترک کردم. چندماه قبل از اینکه به کانادا بروم، متوجه شدم مادرم با یکی از شرکای تجاری پدرم که ایتالیایی بود، رابطه دارد. آنقدر مادرم را دوست داشتم که این موضوع برایم به یک کابوس تبدیل شد. چند روز بعد از اینکه متوجه این ماجرا شدم، موضوع را به مادرم گفتم و از او خواستم دیدگی با این رابطه‌اش ادامه ندهد. مادرم با شنیدن این حرف خیلی ناراحت و متوش شد. بعد از آن او مرتب به فامیل می‌گفت من بیمارم و شی‌زوفرنی دارم. به کانادا رفتم تا شاید بتوانم موضوع را فراموش کنم، اما نشد. دچار افسردگی شدید شدم و مدتی در بیمارستان بستری بودم. چندماه طول کشید تا دوباره به حالت عادی برگشتم. متهم ادامه داد: «بعد از ازدواج اولم به تهران برگشتم اما ازدواج دومی نداشت و جدا شدیم. دوباره به آمریکا رفتم و سال ۷۱ به ایران برگشتم. در آمریکا زندگی خوبی داشتم. آنقدر در نقشه‌کشی‌ها موفق بودم که نقشه‌های من در قاره‌های مختلف دنیا ساخته شده است. اما مشکل من رفتارهای مادرم بود. مادرم من را بیمار معرفی می‌کرد و می‌گفت آدم منحرفی هستم. او از فامیل می‌خواست از فرزندان و زنان‌شان در برابر من دفاع کنند.

حوادث

مهندس ۶۰ ساله به اتهام قتل ۵ نفر محاکمه شد

کشتار در خانه مادری ، جنایت یا جنون



مجید ایهری در دادگاه

آنقدر این اذیت‌ها ادامه داشت که مجبور شدم با همسر دومم تهران را ترک کنم. پسری چهارساله داشتم و امیدم به او بود. وقتی به آمریکا رفتم، فقط کار می‌کردم تا زندگی خوبی برای پسریم بسازم. اضطراب‌هایی که خانواده‌ام برایم درست می‌کردند، باعث شد در آمریکا

به بیماری نادری به اسم سندرم خستگی مفرط مبتلا شوم و هر روز بیماری‌ام شدیدتر می‌شد تا اینکه سال ۸۲ زنم با

پسرم به ایران برگشت. چندماهه که در ایران بود، پدر و مادرم به او گفته بودند حمید بیمار است و برای حفظ جان خودت و پسرت بهتر است از او جدا شوی. پدرم به زنم گفته بود یک روز حمید گلولی تو را می‌برد. متهم ادامه داد: یک ماه ونیم قبل از قتل پدرم فوت کرد و رفتار خانواده با من بدتر شد. خواهرانم تهدیدیم می‌کردند سیامک، شوهرخواهرم جای من را در خانواده گرفته بود. شبی که پدرم فوت کرد، مادرم من را از خانه بیرون کرد و با خواهرانم همه حساب‌های بانکی پدرم و یک‌میلیارد تومان فرش را از حجره او برداشتند و بین خود تقسیم کردند. آنها به من گفتند سهم تو فقط ۵۰ میلیون تومان است. در حالی‌که پدرم ۲۰میلیارد تومان سرمایه داشت. کار به شکایت کشید و محمد منصوری، قاضی شورای حل اختلاف-یکی از مقتولان- از آنجا وارد زندگی ما شد. روز حادثه برای تحریر فهرست ارتبه، من، وکیل، قاضی منصوری، وکیل مادرم، سیامک و صدف در خانه مادرم حاضر شدیم. اجناس صورت‌برداري و حساب‌های پدرم و دفاترش همگی در خانه مادرم پیدا شد. فرش‌ها هم آنجا بود. بعد از هفت ساعت کار و بحث و در حالی‌که همگی خسته بودیم، فرصتی پیش آمد تا من و مادرم با هم آشتی کنیم. این همه آن چیزی بود که من می‌خواستم اما یک‌دفعه وکیل مادرم دخالت کرد و گفت

تو به مادرت توهین کردی. این حرف باعث شد من از کوره دربروم و درگیری لفظی پیدا کردیم. آن وکیل به قاضی منصوری گفت از من شکایت دارد و درخواست کرد این اتفاق صورت‌جلسه شود. قاضی هم این کار را کرد اما فحش‌هایی را که وکیل داده بود، در صورت‌جلسه ننوشت. من هم عصبانی شدم و دوباره اعتراض کردم، منصوری گفت: دادبزن می‌اندازمت زندان. دیگر نفهمیدم چه شد. بیرون رفتم از خودم پرسیدم بزتم؟ صدایی به من گفت بزن دوباره پرسیدم بزتم؟ صدا تاکید کرد بزن. وارد خانه شدم. هیچ‌کس را نمی‌دیدم همه در برابرم سیاه شده بودند من سیاهی می‌دیدم و نمی‌توانستم آدم‌ها را تشخیص دهم. اصلا نمی‌دانم به چه ترتیبی تیراندازی کردم. فقط می‌دانم که زدم بعد به خانه خودم رفتم و دو روز بعد دستگیر شدم.

حمید در مورد اینکه چرا با خود سلاح برده بود، گفت: اسم ترشکاگو با خودم سلاح حمل می‌کردم. این برایم عادت شده بود تا اینکه به ایران آمدم و سلاح‌هایم را آوردم. یک روز با من تماس گرفتند و گفتند خواهرانم می‌خواهند تو را بکشند. من می‌دانستم خواهرانم واقعا این کار را می‌کنند. برای محافظت از خودم سلاح حمل می‌کردم. در ادامه جلسه عبدالصمد خرمشاهی، وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: سوکل من دچار بیماری روانی است و پزشکی قانونی اعلام کرده او دچار اختلال شدید شخصیتی است و این اختلال در رفتار او تاثیر مستقیم دارد، اما در زمان وقوع قتل دچار جنون نبوده است. این نظریه به معنای آن نیست که متهم فردی عادی است.

او گفت: طبق ماده «۵۱» قانون مجازات اسلامی جنون به هر اندازه‌ای که باشد، رافع مسئولیت است اما این اندازه مشخص نمی‌شود چون علوم روانی به اندازه علوم تجربی پیشرفت نکرده و جنبه نظری دارد و هنوز ضوابط و معیارهای مشخصی ندارد. موکل من دچار اختلال شدید شخصیت است و این اختلال ناشی از بیماری‌های روانی و مشکلات شدید خانوادگی و فشارهای خانوادگی است. و درواقع تشدید هم شده است. من هم معتقدم موکل جنون دایمی ندار، چراکه جنون دایمی فرد را دچار زوال عقل می‌کند، اما موکل من این‌طور نیست، ولی بیماری او عامل اصلی این قتل است و از آنجایی که زمان وقوع قتل فاقد اراده بوده، مستحق مجازات نیست.

بنا بر این گزارش در پایان هیات قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای وارد شور شدند

نقض حکم اعدام متهمان تجاوز گروهي در ملارد

محاکمه در دادگاه حضور یافتند اعلام کردند با این زن به میل خودش رابطه برقرار کردند و گفتند حتی بعد از پایان رابطه همراه این زن سیگار هم کشیدند. در نهایت دادگاه چهار متهم را گناهکار شناخت و به اعدام محکوم کرد. همچنین سه متهم ردیف اول تا سوم را که زن جوان را ربوده بودند در ۱۵سال حبس به جرم آدم‌ربایی و ۱۰سال حبس به اتهام سرقت مقرون به آزار و رد مال محکوم شدند.قضات همچنین برای مرد افغان مجازات ۹۹ ضربه شلاق و اخراج دایمی از ایران را در نظر گرفتند. پس از صدور این حکم در حالی که متهمان به رای صادره اعتراض کرده بودند، زن جوان در یک محضرخانه رسمی حضور یافت و بر گهای را امضا کرد که در آن نوشته شده بود تجاوزی به وی انجام نشده و او با میل خودش با متهمان رابطه برقرار کرده و بعد بر سر پول با آنها درگیر شده و به همین دلیل اقدام به طرح شکایت کرده بود. قضات دیوان عالی کشور بعد از بررسی نامه دیروز ضمن نقض حکم اعدام متهمان پرونده را بار دیگر به دادگاه بازگرداندند تا تحقیقات تکمیلی در این خصوص صورت گیرد. اکنون هیات قضات باید بررسی کنند نامه محضری تحت چه شرایطی از شاکي اخذ شده و آیا او با اختیار خودش آن را امضا کرده یا دلایل دیگری برای این کار داشته است. همچنین باید سوابق این زن و متهمان بررسی شودتا روشن شود آیا در این ماجرا تعرض به عنف صورت گرفته است یا خیر.

نقشه حرفه‌ای برای سرقت ۱۱ کیلو طلا

همچنین از سوی دادگاه‌های ناحیه ۱۶ تهران به اتهام کیف‌قاپی به هشت سال حبس محکوم شده اما با سپردن وثیقه از زندان گریخته بود. کار آگاهان در ادامه اطلاع پیدا کردند اسماعیل، در طول دوران محکومیت خود یکی دیگر از مجرمان سابق‌دار به نام «حسین» آشنا شده و هر دو متهم پس از رهایی از زندان، دست به ارتکاب جرایم مختلف زده‌اند. مالباخته وقتی تصویر حسین را دید، وی را نیز شناسایی کرد. ماموران در گام بعدی مراقبت‌های نامحسوس پلیسی را در دستور کار خود قرار دادند و سرانجام چند روز قبل در عملیاتی بامدادی هر دو متهم را وقتی در محل سکونت‌شان در حال استراحت بودند، دستگیر کردند. اسماعیل وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، با اعتراف به جرمش گفت: «با پرسه‌زنی در بازار طلای تهران، طعمه‌ام را شناسایی و تلاش کردم اطلاعات دقیقی در خصوص زمان کار و همچنین روزهای جابه‌جا کردن طلاها به دست بیاورم. من مدتی طولانی هر روز با مراجعه به بازار طلافروشی، مالباخته را-بدون آنکه متوجه حضور من شود - تحت نظر قرار می‌دادم تا اینکه سرانجام روز حادثه نفهمیدم این مرد مقدار زیادی طلا در کیف دست‌اش دارد. بلافاصله با حسین تماس گرفتم و با او قرار گذاشتم تا در پارکینگ مترو حرم و قبل از سوار شدن طلافروش به خودرواش سرقت را انجام بدهیم. حسین با یک موتورسیکلت، پیش از رسیدن ما به ایستگاه مترو رفته و منتظر ایستاده بود. با خارج شدن طلافروش و همراهانش از مترو، همان‌طور که انتظار داشتم، همگی آنها به سمت پارکینگ حرکت کردند در یک لحظه و در حالی که مالباخته چند متر از همراهانش فاصله گرفته بود، نقشه‌مان را عملی کردیم» بنا بر این گزارش دو متهم در حال حاضر در بازداشت به سر می‌برند.

نگاه

جنایتی جنون گونه

مجید ایهری

متخصص علوم رفتاری



■ انسان بدون توجه به شرایط مالی و اقتصادی یا وضعیت علمی و تحصیلی هرگاه از ارزش‌های اخلاقی، باورهای انسانی و بنیان‌های عاطفی فاصله بگیرد هیچ یک از مزایای ظاهری به کمک او نخواهند آمد. با توجه به قتل پنج انسان به دست یک فرد تحصیلکرده و شخصی که قسمت اعظم عمر خود را در جامعه غربی گذراند در کالبدشکافی این واقعه محورهای زیر از نگاه رفتارشناسی و آسیب‌شناختی باید مورد توجه ویژه قرار بگیرند. اول اینکه این شخص دارای تحصیلات عالی بوده و در خانواده‌ای مرفه رشد کرده، اما حدود ۲۰ سال دور از خانواده زندگی کرده یعنی درست از دورانی که نیاز به عاطفه والدین داشته در خلاء عاطفی زندگی کرده است.

دوم اینکه فرد یادشده بعد از دوران بلوغ و زمان اقامت در ایران دچار ناهنجاری دلبینی یا پارنویا شده و در مورد مادرش افکار آزاردهنده‌ای داشته است. همین باورهای کاذب نقطه یک کینه و پایه یک بیماری رفتاری و روانی را در روح از پی‌ریزی کرده‌است. سوم اینکه خانواده‌ای باید باور کنند سلامت ظاهری و اشتغال به تحصیل با کار صددرصد نماینده‌ی سلامتی روح و روان نیست و در صورت مشاهده بعضی افکار پارنویایی و کنش‌های ناهنجار رفتاری باید فرزند خود را تحت درمان قرار دهند.

چهارم اینکه قتل پنج نفر از جمله چند فامیل به دست این شخص بیانگر این واقعیت است که انسان‌ها اگر فاقد مهارت کنترل خشم و مدیریت هیجان‌های رفتاری باشند در هر درجه و مقامی می‌توانند باعث بروز حوادث تلخ شوند. علاوه بر این شخص، در پارهای از اوقات افراد تحصیلکرده دست به قتل و جنایت زده‌اند و این واقعیت آشکار می‌شود که آموزش مهارت‌های رفتاری برای کنترل احساسات هیجانی بسیار ضروری‌تر از تحصیلات دانشگاهی است. به‌مجموع باید گفت این افراد در دردتف بیماران رفتاری است. متأسفانه برخی افراد تصور می‌کنند بیمار روانی کسی است که رفتارهای غیرطبیعی از خود بروز می‌دهد یا دچار وضعیتی است که در جامعه او را دیوانه قلمداد می‌کنند. در حالی‌که بسیاری از ناهنجاری‌های روانی اصولاً آثاری محسوس برای افراد ناشناخته و غیرمتخصص ندارد. همچنین دو شخصیتی و دوقطبی بودن در این فرد دیده می‌شود. قانون در این‌گونه مواقع در دو بعد ایفای نقش می‌کنند: یک جنبه از قانون حفظ امنیت اجتماعی و پاسنگویی به افکار عمومی و پیشگیری و مقابله با رفتارهای پرخشونت است، چهره دیگر قانون تجزیه و تحلیل روانی با در نظر گرفتن بیماری‌های روحی و عصبی فرد است که در صورت اثبات ناهنجاری‌های روانی و شدید قدر مسلم مجازات وی مشابه افراد سالم و طبیعی نیست. در پارهای از اوقات افراد به خاطر فرار از مجازات ممکن است رفتارهای پر خاشگرنه و روانی از خود بروز دهند تا به این وسیله از دست عدالت فرار کنند. اما در مورد این فرد کمیسیون روانپزشکی در پزشکی قانونی و مشاوران در داخل و خارج از قوه‌قضاییه به سادگی می‌توانند صحت بیماری را تصدیق کنند. به نظر من مجازات این فرد درست نیست، البته در شرایط حاضر فقط جنون به معنای زایل بدون عقل باعث تخفیف یا معافیت از مجازات می‌شود، اما با توجه به تنوع و افزایش بیماری‌های عصبی و روانی مثل پرنوید و ابیپولار (دلبینی شدید دو شخصیتی و دوقطبی روانی) و امثال آنها که زیر مجموعه اسکیزوفرنی هستند باید در هنگام تعیین مجازات مورد ملاحظه قرار گیرند. امید است مدیران هوشمند قوه‌قضاییه ضمن تبادل نظر با مراکز علمی و دانشگاهی و رفتارشناسان و روانپزشکان در مورد بیمارهای روانی یادشده و آثار آنها بر ارتکاب جرم، قواعد و مقرراتی در جهت تفاوت مجازات این‌گونه اشخاص با افراد عادی وضع کنند.

حادثه ها

محکومیت یک فرمانده سابق ناجا

■ یکی از فرماندهان سابق نیروی انتظامی به اتهام تصرف اموال دولتی و مسایل اخلاقی با تایید دیوان عالی کشور به انفصال از خدمات دولتی و ۱۴۹ ضربه شلاق محکوم شد. روزنامه ایران دیروز نوشت: هیات قضایی دادگاه پس از دفاعیات فرمانده سابق ناجا به استناد دلایل و مستندات پرونده او را مجرم شناخت و جمعا به ۱۴۹ ضربه شلاق، سه سال انفصال از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی محکوم کرد. پرونده متهم با اعتراض وی برای رسیدگی نهایی به دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات دیوان عالی کشور پس از بررسی دلایل و مستندات پرونده حکم دادگاه بدوی را تایید کردند و این حکم قطعی و قابل اجراست.

دستگیری قاتل در دو ساعت

■ فارس: فرمانده انتظامی ایلام با بیان اینکه یک نزاع در این شهر منجر به قتل یک نفر شد، گفت: کمتر از دو ساعت ضارب شناسایی و دستگیر شد. موسی حسینی اظهار داشت: نزاع و درگیری بر سر اختلافات ملکی سبب وقوع این قتل شد. وی ادامه داد: در این درگیری که منجر به اسلحه‌کشی شد دو نفر زخمی شدند و یک نفر دیگر به قتل رسید. فرمانده انتظامی ایلام اضافه کرد: مأموران نیروی انتظامی به محض مطلع شدن از این واقعه در کمتر از دو ساعت ضارب را شناسایی و دستگیر کردند.